سنخ‌شناسی و دلایل وقوع قتل عمد به شیوهٔ نظریهٔ زمینه‌ای

(مورد مطالعه: متهمان قتلِ استان گیلان در زندان لاکان رشت)

علی یعقوبی چوبری*

چکیده

هدفِ این مقاله، سنخ‌شناسی، دلایل و انگیزه‌های وقوع قتل عمد در بین متهمان زندان لاکان رشت است. در مطالعهٔ مزبور، با تکیه بر روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند از تکنیک‌های مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافتهٔ فردی و گروهی استفاده شده است. برای این منظور با ۱۰ نفر به‌صورت فردی و سه نفر به‌صورت گروهی مصاحبه شد. سپس مصاحبه‌ها به شیوهٔ نظریهٔ زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های این تحقیق نشان داد دو گونهٔ عمده در قتل‌های زندان لاکان رشت بیشتر مشاهده می‌شود: قتل‌های مواجهه‌ای و قتل‌های عمدی. عمده‌ترین دلایل قتل در سطوح عینی و ذهنی عبارتند از نزاع و درگیری، فحاشی، اختلافات مالی، طلاق، اعتیاد، فقدان مهارت‌های اساسی زندگی، همنشینی با دوستان ناباب، اثبات مردانگی در فرایند نزاع و درگیری، دعوای ناموسی، عدم درک از عواقب جرم، طرح‌واره‌ها و تکانه‌های عصبی، تحریک بزهکار، ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های زندگی. بدین‌ترتیب، همهٔ مقوله‌های مزبور در ذیل هستهٔ مرکزی «ضعف کنترل در فرایند پیوند اجتماعی» قرار دارند. بنابراین، با تضعیف اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعیِ غیررسمی از کارآمدی لازم جهت محافظت از آماج جرم برخوردار نیستند و افراد با خصوصی‌شدن خشونت روبه‌رو هستند.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی قتل، نظریهٔ زمینه‌ای، اثبات مردانگی، پیوند اجتماعی، فردی‌شدن.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان Aliyaghoobi2002@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۷-۱۶۸

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

۱. بیان مسئله

قتل به‌مثابهٔ یکی از اشکال خشونت یا پرخاشگری و به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی و جرم محسوب می‌شود. این‌جرم یا کجروی ماهیتی اجتماعی داشته و بیشتر در تعاملات بین شخصی و بین گروهی رخ می‌دهد که امنیت اجتماعی افراد و گروه‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. در عرصهٔ تئوریک و انتزاعی پدیدهٔ قتل را می‌توان از زوایا و ابعاد مختلف زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داد. حامیان رویکرد زیستی، کجروی را حاصل عوامل ارثی، بدکارکردی غددی، اختلال در کارکرد انتقال‌دهنده‌های عصبی، آسیب‌های‌مغزی، نارسایی‌های جسمانی و سایر عوامل فیزیولوژیک می‌دانند. روانشناسان نیز با تأکید بر عامل فردی پدیدهٔ پرخاشگری را پیامد ناکامی تلقی می‌نمایند. بدین معنا که یک رویداد ناکام‌کننده این احتمال را که ارگانیسم با ممنوعیت مواجه‌شده بلافاصله واکنش نشان دهد افزایش می‌دهد. از نظر این روانشناسان، ناکامی سدکردن راه تلاش‌های کسی است برای دست‌یابی به‌هدف. جامعه‌شناسان نیز قتل را امری اجتماعی محسوب کرده و خواهان تبیین جامعه‌شناختی آن هستند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۹۹ـ۱۰۳).

نتایج یک تحقیق در خارج از کشور به وجوه مختلف پدیدهٔ قتل اشاره می‌کند. گاستیل در مطالعهٔ قتل در آمریکا بر چهار موضوع تأکید نموده است: زمینه‌های عمومی زندگی اجتماعی، نرخ سوابق جنایی افراد، میزان ازهم‌گسیختگی خانوادگی و خرده‌فرهنگ‌های جامعه (زکی، ۱۳۷۴: ۱۸). نتایج تحقیق معظمی نیز نشان می‌دهد که منشأ قتل بیشتر درون خانواده به وقوع می‌پیوندد. در این پژوهش شایع‌ترین علل قتل رابطهٔ نامشروع دانسته شده است که خود متأثر از ازدواج نامناسب و تعصبات حاکم بر روابط خانوادگی بوده است (معظمی، ۱۳۸۱: ۲۰۹). براساس یافتهٔ تحقیق دیگری، اکثر مقتولین مذکر و در سنین جوانی و میانسالی بوده‌اند و انگیزهٔ اصلی قتل‌ها در آن‌ها نزاع بوده است و در ضمن روش‌های مختلف قتل و انگیزه‌های آن با عوامل فردی و اجتماعی ارتباط دارد. به‌طورکلی، بین روش‌ها و انگیزه‌های مختلف منجر به قتل با متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اعتیاد، شغل و ملیت مقتولین ارتباط معنی‌دار وجود داشت (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۴). نتایج یک تحقیق در استان یزد نشان می‌دهد که انگیزه‌های مختلفی در ایجاد قتل مؤثرند. این انگیزه‌ها به‌ترتیب مسائل منکراتی و اخلاقی، مسائل خانوادگی، سرقت، اختلافات مالی و ملکی، نزاع دسته‌جمعی، مصرف موادمخدر و بیماری روانی بوده است. مسائل منکراتی و اخلاقی و خانوادگی علل و انگیزه‌های بیش از نیمی از قتل‌های عمد در این استان است (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۱: ۸۲). نتایج تحقیق دیگری نیز حاکی از آن است که بین آسیب‌های اجتماعی ازجمله نزاع و درگیری، اختلافات، مسائل اخلاقی، سرقت و انتقام با وقوع قتل نسبتی وجود دارد. برمبنای نتایج این پژوهش، نزاع و درگیری فردی بیشتر از سایر نزاع‌ها

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

(خانوادگی‌ـقومی قبیله‌ای) باعث وقوع قتل عمد شده است، اختلافات ملکی نیز بیش از سایر اختلافات (خانوادگی‌ـمالی) سبب رویداد قتل عمد بوده است، انتقام به‌خاطر مسائل ناموسی بیشتر از سایر موارد انتقام موجب وقوع قتل شده است (جاهد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۹ـ۱۱۰). برمبنای تحقیقی دیگر قتل در زمینه‌های مختلفی چون گروه‌های بزهکار، خانواده، خیابان در ارتباط با سایر جرایم رخ می‌دهد و به‌طور تصادفی توزیع نمی‌شود، بلکه یک کنش متقابل بین دو یا چند نفر از افرادی است که در بیشتر اوقات یکدیگر را می‌شناسند و در تنازعات بین‌شخصی خشونت به‌صورت یک فرایند پویا بین افراد در یک روابط قرینه‌ای ردوبدل می‌شود. آنچه ماشهٔ خشونت را می‌کشد عامل‌های ترس، رنجش و نفرت، ناامیدی، جاه‌طلبی و خشم و نمایش است و بیشتر قتل‌ها ناشی از تضاد افراد بر سر مسائل جزئی است و ازاین‌رو می‌توان آن‌ها را قتل‌های مواجهه‌ای نامید و تعداد کمی از قتل‌ها، قتل‌های انتقامی است که می‌تواند منعکس‌کنندهٔ یک تصمیم عقلانی، تحقیرشدگی یا ناامیدی باشد (صادقی فسایی، ۱۳۹۲: ۴۵).

استان گیلان یکی از استان‌های شمالی کشور ایران است. برمبنای تحقیقات انجام‌شده این استان دارای کمترین سطح باروری در بین استان‌های کشور است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شهر رشت از نظر گرایش دین‌داری پایین‌ترین سطح، و از نظر فردگرایی دومین مرکز در بین مراکز استان‌های کشور محسوب می‌شود (رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۷۲). نتایج تحقیقات اسنادی نشان می‌دهد که در بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ استان‌های تهران، سمنان، گیلان، یزد و مازندران به‌ترتیب توسعه‌یافته‌ترین استان‌های ایران هستند. همچنین براساس آمارهای موجود در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ استان گیلان پس از استان اردبیل رتبهٔ دوم جرایم خشن را به خود اختصاص داده است. با وجود این، کمترین میزان قتل به‌ترتیب به استان‌های اردبیل، گیلان، آذربایجان شرقی، چهارمحال بختیاری و گلستان تعلق دارد (زارع و زندی لک، ۱۳۹۰: ۱۱۴). بنابراین استان گیلان از نظر میزان جرایم خشن در رتبهٔ دوم کشوری ولی از نظر میزان قتل در سال ۱۳۹۳ در رتبهٔ بیست‌وهفتم قرار داشت. هرچند میزان قتل در استان گیلان در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲ کاهش نسبی را نشان می‌دهد، از نظر قتل برحسب صدهزار نفر در بین سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ بیشترین تعداد در بین استان‌های شمالی محسوب می‌شود. بنابراین به‌لحاظ مکانی و زمانی تحقیق در خصوص مواجهه با آن ضروری است. همچنین پیداکردن ابعاد پنهان و مخفی این مسئله اجتماعی از طریق تحقیقات کمّی و پیمایش میسر نیست و با تحقیقات کیفی سازگاری بیشتری دارد. درضمن، از نتایج این تحقیق علاوه بر پژوهشگران دانشگاهی، دستگاه‌های انتظامی و دادگستری نیز می‌توانند در عرصهٔ تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی استفاده کنند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

همچنین، افزایش غیرقابل‌انتظار قتلِ عمد پیامدها و کارکردهای منفی زیادی در سطح فرد، گروه‌های اجتماعی و نظام اجتماعی دارد. در قتل عمد علاوه بر صدمات جدی به قربانیان مستقیم، نزدیکان، دوستان، گسترش شایعه یا پخش آن از طریق ارتباط جمعی امنیت و سلامت روانی جامعه را به‌خطر می‌اندازد و انتظام اجتماعی را تضعیف و موجب هراس جامعه می‌شود. مجموعه دلایل فوق قتل را به‌عنوان یک امر پرابلماتیک (مسئله اجتماعی) درآورده است. باتوجه به مطالب فوق سؤالات پژوهش این است: گونه‌های مختلف قتل در استان گیلان چه هستند؟ عوامل و بسترهای اجتماعی قتل در این استان کدامند؟ قاتلان چگونه قتل را درک و معنا می‌کنند؟

۲. چارچوب مفهومی

هدف از چارچوب نظری در تحقیقات کیفی به‌مثابهٔ عناصر مکمل یا الهام‌بخش در فرآیند تحلیل و تفسیر داده‌ها و تدوین چارچوب مفهومی است (فلیک[1]، ۱۳۸۷: ۶۴ـ۷۱). در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی جهت تبیین قتل و سنخ‌سازی آن وجود دارد. با توجه به چندوجهی‌بودن پدیدهٔ قتل، عمده‌ترین چشم‌اندازهای نظری عبارتند از:

مطالعه و بررسی ادبیات موجود مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی و بزه‌شناسی بیانگر این واقعیت بارز و عینی است که برداشت‌ها، تعابیر و تفاسیر گوناگون و متعددی در ارتباط با انحراف[2] و بزهکاری[3] وجود دارد. این تفاسیر و تعابیر مختلف، بازتاب انگاره‌ها[4] و چشم‌اندازهای متفاوت علمی و ایدئولوژیک است. از این رو، هر بررسی علمی در مورد جرم و انحراف تبیین‌های جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی را ضروری می‌نماید. قتل نیز همچون بسیاری از پدیده‌های آسیب‌شناسی اجتماعی معلول علت واحدی نیست و از طرفی تبیین قتل به‌عنوان یک مجموعهٔ به‌هم‌پیوسته، مستلزم بررسی کلیهٔ عوامل و متغیرهای اجتماعی، روانی، فرهنگی، زیستی و اقتصادی در ارتباط متقابل یکدیگر است.

در سطح تئوریک در خصوص قتل دو رویکرد اصلی وجود دارد: رویکرد اول روان‌شناختی و دومی جامعه‌شناختی است. در عرصهٔ روان‌شناسی یکی از نظریه‌های مهمی که می‌توان در تبیین قتل استفاده کرد نظریه ناکامی‌ـپرخاشگری است. براساس این نظریهٔ پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و یک رویداد ناکام‌کننده این احتمال را که ارگانیسم با ممنوعیت مواجه شده، بلافاصله واکنش نشان دهد افزایش می‌دهد. از نظر آن‌ها ناکامی سدکردن راه تلاش‌های کسی

1. Flik
2. Deviance
3. Deliquency
4. Idias

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

است برای دست‌یابی به‌هدف. شواهد تحقیقاتی این نظریه را تأیید می‌کند، اما به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

جامعه‌شناسان از منظر اجتماعی به مسئلهٔ قتل می‌نگرند و معتقدند قتل یک پدیدهٔ اجتماعی است و لازم است تبیین اجتماعی از آن صورت گیرد. یکی از نظریه‌ها محدودیت بیرونی است. براساس این نظریه اگر افرادی که به‌شدت دچار ناکامی شده‌اند، محدودیت بیرونی ضعیفی را تجربه کرده باشند کنش پرخاشگرانهٔ درون‌گرا؛ یعنی خودکشی و اگر محدودیت بیرونی قوی را تجربه کرده باشند،کنش پرخاشگرانهٔ برون‌گرا؛ یعنی آدم‌کشی را انتخاب می‌کنند. کسانی که از چنین کنترل‌های شدیدی رنج کشیده باشند بیشتر به دیگرکشی تمایل پیدا می‌کنند تا به خودکشی؛ زیرا می‌توانند دیگران را به‌طور مشروع بابت ناکامی خود سرزنش کنند (گلد، ۱۹۵۴: ۶۶۱-۶۵۱). درمجموع خشونت یا حالت درون‌فکنی دارد یا جنبه برون‌فکنی، در شکل درون‌فکنی به‌صورت استرس، افسردگی، خودکشی و در حالت برون‌فکنی در قالب توهین، قتل، ضرب‌وجرح بروز می‌کند.

نوربرت الیاس در پژوهش خویش تحت عنوان «فرایند متمدن‌شدن[1]» از زاویهٔ دیگری به این مسئله می‌نگرد. او معتقد است که خشونت ناشی از رفتار غیرمتمدن است. خشونت‌ورزان تمدن اخلاقی، قدرت کنترل و اقتدار دولت را درونی نکرده‌اند و دست به‌انجام رفتارهای ضداجتماعی و ضدتمدن همچون قتل می‌زنند (الیاس، ۲۰۱۳: ۴۱). برخلاف وی، دونالد بلک در مقالهٔ خود که تحت عنوان «جرم به‌عنوان کنترل اجتماعی[2]» تدوین‌شده معتقد است که در جوامع اولیه که فاقد نهادهای حکومتی به‌شیوهٔ امروزی بودند، از مکانیزم‌هایی برای کنترل اجتماع برخوردار بودند که او از آن‌ها تحت عنوان نظارت‌ها و کنترل‌های اجتماعی نام می‌برد. به‌زعم وی اعضای هر جامعه‌ای می‌توانند تحریم‌های مشروعی را به‌افرادی ناقض هنجارهای مشترک اعمال نمایند. با ظهور دولت‌های مدرن و با طرح انحصار مشروع و انحصاری دولت‌ها برای اعمال زور و قدرت، جامعه توان خود را برای اعمال تحریم‌ها از دست داد (بلک،۱۹۸۳: ۴۵-۳۴). به اعتقاد بلک، در جهان مدرن افراد با خصوصی‌شدن خشونت روبه‌رو هستند که خود شامل دو وجه است: افزایش میزان خشونت‌هایی که بیشتر از سوی «افراد» انجام می‌شود تا «گروه‌ها»؛ دوم افزایش میزان خشونت میان افرادی که از میزانی از آشنایی و فامیل‌بودن و صمیمیت برخوردارند تا افراد غریبه. در دنیای مدرن پای فرد یا افراد سوم به منازعه کشیده نمی‌شود و خشونت‌های جمعی کمتری مشاهده می‌شود. خشونت‌ها حاصل منازعه میان افرادی است که پیوندهای اجتماعی سنتی آن‌ها با نزدیکان گسسته شده است (خلفقانی، ۱۳۸۷: ۵۲ـ۵۳). به‌زعم وی، خشونت علیه افراد می‌تواند

1. The civilizing process
2. Crime as social control

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

در موارد زیادی به‌عنوان شکلی از خودیاری‌گری[1] فهم شود، که طی آن یک فرد می‌کوشد درجه‌ای از کنترل را بر دیگری اعمال کند. کوهن و فلسون[2] نیز دیدگاه مشابهی دارند. آن‌ها برمبنای نظریهٔ فعالیت روزمره معتقدند که برای وقوع جرم باید میان حداقل سه عامل، تقارن زمانی و مکانی وجود داشته باشد. این سه عامل عبارتند از وجود بزهکارِ احتمالی تحریک‌شده، وجود آماج بزه مناسب، و فقدان محافظ کارآمد برای جلوگیری از وقوع جرم. پیروان نظریهٔ فعالیت روزمره معتقدند از آنجا که الگوهای زندگی روزمره افراد را از خانه و خانوادهٔ خود دور می‌کنند، بزهکاران اهدافی بدون محافظان کارآمد پیدا می‌کنند. به‌علاوه، کاهش اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی را که باعث محافظت کارآمد می‌شوند تضعیف می‌کند.

نظریهٔ خرده‌فرهنگ خشونت از منظر فرهنگی به خشونت می‌نگرد. براساس این نظریه، در خرده‌فرهنگ خشونت، ضرب‌وشتم افراد و توسل به پرخاشگری به لحاظ اجتماعی مورد تأیید و پذیرفته است و پیامد برخی محرک‌ها محسوب می‌شود و خشونت جزء آشنا و مرگبار تلاش برای زندگی است. این رویکرد خرده‌فرهنگ خشونت را مسبب اصلی نرخ بالای آدم‌کشی در همسایگی‌های فقیرنشین می‌داند. افراد در این همسایگی‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها با الگوی خشونت که توسط والدین، همسالان و همسایگان فقیر ارائه می‌شود، پیوند دارند و در دامنهٔ وسیعی از رفتارهای خشونتی شرکت می‌کنند و از آن هویت می‌گیرند. از این رو، خشونت شیوهٔ زندگی و حل مسائل این‌گونه افراد است و نه‌تنها نرمال بلکه لازم تلقی می‌شود و در این باره، شخص از پرخاشگری خود احساس گناه نمی‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). وُلف‌گانگ و فراکوتی[3] درخصوص فرهنگِ خشونت دریافته بودند که شمار قابل‌توجهی از قتل‌هایی که در میان مردمان طبقه پایین رخ می‌دهد، ناشی از حوادث بسیار ناچیزی است که به‌خاطر انتظارات دوسویه دربارهٔ چگونگی رفتار مردم اهمیت زیادی یافته‌اند. این حوادث ممکن است مربوط به یک هل‌دادن‌ها یا سخن اندکی موهن باشد. در این باره، از یک مرد در جامعه انتظار می‌رود از شرفِ مادری خود دفاع کند. افراد تمایل زیادی برای ارزشمند دانستن شرف و ناموس دارند (وُلف‌گانگ و فراکوتی، ۱۹۸۱: ۱۸۸ـ۱۸۹). به‌زعم آن‌ها خشونت مجرمانه برای بسیاری از قتل‌های هیجانی یا برنامه‌ریزی‌نشده عمومیت دارد. ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات رفتاری علت بی‌واسطهٔ قتل‌های هیجانی‌اند. برنارد نیز بر این باور است که افرادی که به‌طور منظم برانگیخته می‌شوند تمایل دارند که تهدیدها را در مقایسه با افراد دیگر با پرخاشگری بیشتری نشان دهند. وی تأکید می‌کند که فقر، محیط‌های شهری و تبعیض شرایطی ساختاری‌اند که همگی به برانگیختگی منظم در

1. Self-Help
2. Kohen & Felson
3. Wolfgang & Ferracuti

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

مردمانی که آن‌ها را تجربه می‌کنند منجر می‌شوند (برنارد، ۱۹۹۰: ۷۳ـ۹۶). براساس این نظریه، خشونت محصول تعهد به ارزش‌ها و نگرش‌هاست؛ زیرا هر فرهنگی، خرده‌فرهنگ‌های مختلفی دارد که در درون آن عناصر فرهنگی خاص از قبیل ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و رفتارها حاکم است که ممکن است خشونت علیه دیگران را تأیید و تقویت یا اینکه از آن ممانعت کند. فرهنگ خشونت ریشه در فرهنگ مردانگی دارد. در این باره، پژوهشگران جرم‌شناسی بین احساس مردانگی بیمارگونه و مردانگی طبیعی تفاوت قائلند. دستهٔ اول مردان جوان سالمی‌اند که از کمال‌گرایی، برنده‌شدن، رقابت و انجام مسابقات قدرتی لذت می‌برند. آنان دوست دارند مردانگی خود را از طریق مهارت‌های جسمی و هوشی و خودانضباطی نشان دهند و نسبت به زنان رفتار محترمانه و طبیعی دارند. دستهٔ دوم کسانی‌اند که مایلند مردانگی خود را از طریق رفتارهای ضداجتماعی و خشونت و تهاجم علیه دیگر مردان و گاهی هم زنان اثبات کنند. این مقاله مبتنی بر تحقیق استقرایی است و به لحاظ نظری براساس سه‌سویه‌سازی نظری[1] است، زیرا رفتار پرخاشگرانه پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را با یک نظریهٔ تبیین نمود. بنابراین در تبیین یافته‌ها از ترکیبِ نظریه‌های مختلف جامعه‌شناختی استفاده شده است. در این باره، برخی نظریه‌پردازان در جهت تلفیق نظریه‌های جرم‌شناختی و آسیب‌شناختی برآمدند. الیوت و همکاران ابتدا با تلفیق نظریه‌های فشار با نظریه‌های کنترل اجتماعی، پس از آن با تلفیق نظریه‌های یادگیری اجتماعی با نظریه‌های کنترل و سرانجام با ترکیب هر سهٔ این‌ها تحقق بخشیدند (ولد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸۸). الیوت معتقد بود که وقتی پیوند افراد با گروه‌های کجرو قوی و باگروه‌های عرف‌پسند ضعیف باشد، بیشترین احتمال کجروی و وقتی پیوند آنان با گروه‌های عرف‌پسند قوی و با گروه‌های کجرو ضعیف باشد، کمترین احتمال کج‌رفتاری وجود دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این‌پژوهش به‌صورت کیفی انجام شده است. پیچیدگی و چندوجهی‌بودن پدیدهٔ تحت مطالعه و زمینه‌مندبودن دربافتِ فرهنگی از یک‌سو و سازگاری ماهیتِ موضوع و انطباق روش با اهداف و سؤالات تحقیق از سوی دیگر، اتخاذ رهیافت کیفی و روش نظریهٔ زمینه‌ای را فراهم نمود. از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته در بین مشاوران و متهمان به قتل در زندان لاکان شهر رشت استفاده شده است. حجم نمونه (تعداد مشارکت‌کنندگان) تحقیق ۱۳ نفر شامل ۱۰ نفر از مجرمان و متهمان به قتل در زندان لاکان رشت و ۳ نفر از مشاورین در زندان مزبور بوده است و متهمان به قتل به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند و نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری پایان یافت. در انتخاب مشارکت‌کنندگان از افراد ناهمگن در امر مصاحبه استفاده شد تا

1. Theoretical triangulation

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

حداکثر تنوع ایجاد گردد. همچنین، معیار انتخاب مشاوران و متهمان به قتل فهم آن‌ها به‌مثابهٔ کنشگران و مطلعان دیگرکشی بوده است. در این شیوه، محقق با افرادی تماس برقرار کرده است که در زمینهٔ موضوع تحقیق، درگیر، شناخت مناسب و نسبتاً کافی داشته باشند. میانگین سنی مصاحبه‌شوندگان در زمان ارتکاب جرم در حدود ۳۳/۸ سال بوده است. مصاحبه با ۱۰ نفر از قاتلان ۸ نفر آن‌ها دارای تحصیلات دیپلم و زیردیپلم بوده‌اند. در خصوص محل سکونت ۲ نفر ساکن رشت، ۲ نفر ساکن انزلی، ۱ نفر ساکن رودسر، ۱ نفر ساکن ماسال، ۱ نفر ساکن سیاهکل، ۱ نفر ساکن رودبار، ۱ نفر ساکن کوچصفهان و ۱ نفر ساکن شفت بودند. به لحاظ شغلی ۵ نفر دارای مشاغل آزاد، ۳ نفر کارگر، ۱ نفر کارمند و ۱ نفر نیز دانش‌آموز بوده‌اند. از بین ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان ۶ نفر آن‌ها سابقهٔ مصرف مشروبات الکلی داشته‌اند. درخصوص رابطه بین قاتل و مقتول (بزهکار و بزهدیده)، رابطهٔ ۲ نفر از آن‌ها در قالب دوست، ۵ نفر غریبه، ۱ نفر آشنا، ۲ نفر نیز خانوادگی بوده است.

در پژوهش حاضر از روش نظریهٔ زمینه‌ای[1] جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. گلیزر و اشتروس[2] معتقدند نظریهٔ زمینه‌ای یک روش اســتقرایی است که از داده‌هایی که به‌طور منظم از پژوهش اجتماعی به دســت می‌آید، نظریه تولید می‌کند (گلیزر و اشتروس، ۱۹۶۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱). ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریهٔ زمینه‌ای برمبنای سه شیوهٔ کدگذاری است:

۱- کدگذاری باز، ۲- کدگذاری محوری، و ۳- کدگذاری انتخابی (اشتروس و کوربین، ۲۰۰۸). پس از ثبت مصاحبه‌ها کار پیاده‌کردن و صورت‌بندی‌شان در قالب مجموعه‌ای از نمونه گزاره‌ها و عبارات انجام شده است. سپس عملیات فرایند کدگذاری از قبیل مفهوم‌سازی، فروکاهی، مقوله‌پردازی و ربط‌دهی در نمونه گزاره‌ها اعمال شده است. بدین معنا که نخست از طریق عبارات مشابه مجموعه‌ای از مفاهیم در قالب یک مقوله فروکاسته شده؛ سپس مقولاتِ مشابه و همخوان در قالب یک مقولهٔ عمده و درنهایت مقولات عمده در قالب یک مقولهٔ محوری یا هسته‌ای صورت‌بندی شده‌اند. کدگذاری داده‌ها و تحلیل داده‌ها به‌صورت دستی انجام گرفته است که با ماهیت تفسیری و کیفی تحقیق انطباق بیشتری دارد. درخصوص قابلیت اعتماد تحقیق در بخش اعتبارپذیری[3] از روش‌های چندگانه نظیر روش مشاهده روش اسنادی، مصاحبه‌های فردی و گروه و تحقیقات مشابه کمک گرفته شد. درخصوص قابلیت اطمینان[4] نیز متن مصاحبه پس از پیاده‌شدن مقوله‌بندی گردید و در مقوله‌بندی داده‌ها از اساتید و کارشناسان استفاده شد.

1. Grounded theory
2. Glaser & Strauss
3. Credibility
4. Dependability

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

٤. یافته‌ها

٤ـ١. دلایل و انگیزه‌های قتل

در کنار ویژگی‌های فردی قاتلان و متهمانِ به قتل، درخصوص سبب‌شناسی قتل می‌توان دلایل قتل را به دو دستۀ ذهنی و عینی مقوله‌بندی کرد. در بخش ذهنی (نگرشی) این سؤال از مجرمان، متهمان و مشاوران زندان لاکان رشت طرح گردید که با توجه به تجربه آنان در زندان چه دلایل عمده‌ای در پدیدۀ قتل مؤثرند؟

منظور از علل عینی (رفتاری) قتل نیز شامل دلایلی است که مجرمان و متهمان درخصوص علل و انگیزه‌های خود دربارۀ قتل در سطح رفتاری بیان کرده‌اند. از مجموع گزاره‌ها یا عبارات ذهنی و عینی مفاهیم زیر استخراج گردیدند.

جدول ١. متون و کدهای اولیه مربوط به دلایل قتل در بین مصاحبه‌شوندگان

ردیف	متون (داده‌ها)	کدهای اولیه
١	- چند نفر در یک رستوران که می‌خواستیم شام بخوریم مرا و دوستم را تا حد مرگ زدند. -دوستم با یه فردی درگیر شد. او [مقتول] جلوی ما را گرفت و این اتفاق افتاد. -او از اراذل‌واوباش استان بود. -اکثر قتل‌ها به صورت اتفاقی رخ میده. -دعواهای خیابانی.	**نزاع و درگیری (بین بزهکار و بزهدیده)**
٢	- مشارکت در قتل همسر. -دفاع از ناموس. -بیشتر قتل‌ها عشقی و ناموسیه. - بعضی‌ها به‌خاطر ناموسشان یا ناموس دیگران دست به‌عمل قتل زده‌اند. - یکی از دلایل قتل فریب‌خوردن آدم‌ها از خانم‌هاست. - بیشتر قتل‌ها ناموسیه، اگه در سالن هشت مطالعه کنید هشتاد تا نود درصد پای یک زن در میان است. - به نظر من از هر صد مورد هفتاد مورد بحث ناموسیه.	**دعوای ناموسی(شرافت)**
٣	- او خلافکار بود. خلافش شیشه بود. او خواست من هم خلاف (شیشه) بکنم. - مصرف مواد مخدر	**اعتیاد به مواد**
۴	- همسرم خواست از من جدا شه. او غیابی از من طلاق گرفت. ولی الان واقعاً پشیمانم. با چاقو زدم او را کشتم. - برخی قتل‌ها به‌خاطر همسرکشی است. - ما یه فردی داشتیم که طلاق گرفته بود. همسرش رو دو یا سه سال بعد با مردی دیده بود حمله کرده بود به منزلش هم آن مرد و همسر سابقش رو کشته بود.	**طلاق(ناسازگاری زوجین)**
۵	- برادر من پنجاه میلیون پول من را داشتند بهم ندادند و زدند زیرش. - مشکل مادی مثل به دست‌آوردن یک‌سری اشیاء است. - ممکنه رسیدن به‌یک ماشین یا خانه دست به‌قتل زده باشه. - اختلاف بر سر مواد است. - اختلاف بر سر امور مالی است. - برخی قتل‌ها به‌خاطر قرض‌و طلبه	**اختلافات مالی**

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

۶	- او [مقتول] اونجا شروع به فحاشی کرد و چاقو کشید و بچه‌های محل رسیدند و چاقوکشی شد و به ضرب چاقو کشته شد.	**فحاشی**
۷	- من مهارت‌های زندگی[جهت کنترل خشم] را نداشتم.	**فقدان مهارت‌های اساسی زندگی**
۸	- جرمم رو آدم‌ربایی و سرقتی که به قتل منجر شده اعلام کردند. - هنگام سرقت به‌خاطر اینکه شناخته نشوند [آدم می‌کشند].	**سرقت**
۹	- یک سال از مدرسه و درس افتادم.	**شکست تحصیلی**
۱۰	- دچار بحران مالی شده بودم، بیشتر با افرادی رفاقت می‌کردم که در مدرسه مردود شده بودند و از من بزرگ‌تر بودند و این مرا با مشکلات جدیدتری مواجه کرد. - مشورت با دوستان.	**همنشینی با دوستان ناباب**
۱۱	- اگه غرور نبود من با او درگیر نمی‌شدم.	**اثبات مردانگی**
۱۲	- فکر نمی‌کردم که افراد باید پس از این موضوع (قتل) اعدام شوند. - معنی زندانی شدن را به درستی در آن موقع درک نمی‌کردم.	**عدم درک از عواقب جرم**
۱۳	- [قتل] ناشی از فقر اقتصادی، فرهنگی و تربیتی است و پایین بودن سواد است.	**فقر**
۱۴	- روحیه پرخاشگری، عدم ظرفیت داشتن آدم‌ها مثل پول زیاد، پایین‌بودن آستانه تحمل، جوانی، نااهلی، تکانه‌های عصبی، رفتارهای هیجانی، عدم مدیریت خشم.	**ویژگی‌های فردی**
۱۵	- گوش ندادن به حرف بزرگ‌ترها.	**پایین بودن اقتدار بزرگان**
۱۶	- ایثار برای فرد دیگر. - دفاع از پدر، مادر و نزدیکان.	**طرفداری از نزدیکان**
۱۷	- نبود تفریح.	**فقدان اوقات فراغت**
۱۸	- من نمی بایست آنجا می‌ماندم و به آن فحاشی‌ها گوش می‌کردم. - او [مقتول] جلوی ما را گرفت و این اتفاق افتاد. - موضوع خبرچینی این آدم پیش پدر خانمم سبب شد که من بیشتر تحریک به این رفتار شدم. - او در دعوا با تبر همه رو زد و اولین ضربه رو آن آقا زد. او حساب مالی من را خالی کرد. - مقتول ۳۰ ساله بود و فوق العاده اهل دعوا و درگیری بود.	**تقصیر بزهدیده**

از کدها و مقولات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها ده مقولهٔ محوری به شرح ذیل استخراج شدند.

جدول ۲. کدهای متمرکز و مقولات محوری در رابطه با دلایل قتل در بین مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کدهای متمرکز	مقولات محوری
۱	درگیری و فحاشی	خشونت
۲	مشارکت در قتل، طرفداری از نزدیکان، غرور، درخواست طلاق همسر، دفاع از شرف و خیانت نسبت به همسر	اثبات مردانگی
۳	بحران مالی، خیانت در امانت، سرقت، پایین بودن درآمد، فقر و اختلافات مادی	عامل اقتصادی
۴	فقدان مهارت‌های لازم، پایین بودن سواد، عدم درک از عواقب جرم، فقر فرهنگی و عدم آگاهی، تکانه‌های عصبی.	فقدان مهارت‌های اساسی زندگی
۵	عدم توفیق، شکست تحصیلی و سرخوردگی‌ها.	ناکامی
۶	همنشینی با دوستان ناباب، پایین بودن اقتدار بزرگان.	ضعف سرمایه اجتماعی سنتی
۷	مصرف مواد	اعتیاد
۸	نبود تفریح	فقدان فراغت
۹	تقصیر بزهدیده	تحریک بزهکار

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

خشونت

یکی از دلایل قتل خشونت‌های کلامی و فیزیکی است مبنی براینکه مردم در زندگی روزمره از زبان «جنسیت‌زده» استفاده می‌کنند. با مطالعه اتنوگرافیک بر زندگی مردم استان گیلان می‌توان استفاده از «زبان منفی» در زندگی روزمره را به‌مثابهٔ یکی از اشکال خشونت مشاهده کرد. در این استان، آلت قضیب مرد سمبل قدرت و جسارت و افتخار به شمار می‌رود و در مقابل، عنصر مادینهٔ زن سمبل ضعف و بیهودگی و شرم.

> من می بایست در درگیری عاقل‌تر عمل می‌کردم، [یعنی] می بایست از درگیری فرار می‌کردم. من نباید به هر آنچه از دهانشان بیرون اومده بود پاسخ می‌دادم. چون درگیری‌های زبانی نود درصدشان به درگیری‌های فیزیکی منجر می‌شود. من نمی‌بایست آنجا می ماندم و به آن فحاشی‌ها گوش می‌کردم (متهم به قتل، ۵۷ساله، لیسانس).

همچنین، جوانان بیش از سال‌خوردگان و کودکان در فرایند و آماج جرم قرار دارند، افرادی که سرمایهٔ اقتصادی کمتری دارند خشونت جسمانی بیشتری دارند و افرادی که دارای سرمایهٔ تحصیلی کمتری هستند سطح آستانهٔ تحمل آن‌ها کمتر و از خشونت فیزیکی بیشتری استفاده می‌کنند.

> من با او و برادرش رفیق بودم. او خلافکار بود. خلافش شیشه بود. او خواست من هم خلاف کنم. من خوابیده بودم. داداشش اومد دمِ در خونهٔ ما. ما رفتیم بیرون به دوست‌هام گفتم اگه دعوا شد هوام رو داشته باشید. او از اراذل و اوباش استان بود. او اونجا شروع به فحاشی کرد و چاقو کشید و بچه‌های محل رسیدند و چاقوکشی شد و به‌ضرب چاقو کشته شد (متهم به قتل، ۲۹ ساله، سوم راهنمایی).

عامل مادی

در جامعه مزایای اجتماعی از قبیل قدرت و ثروت وجود دارند. این منابع محدود و کمیابند. مزایای مزبور به‌طور مساوی بین افراد و گروه‌ها توزیع نشده است. یکی از دلایل پرخاشگری و قتل اختلاف و رقابت مردم بر سر منابع کمیاب است. وقتی افراد احساس کنند که از میزان بهره‌مندی منابع و مزایای اجتماعیِ یکسانی برخوردار نیستند و جامعه حائز عدالت توزیعی مناسبی نیست، تضاد و منازعه محصول آن خواهد بود. در کنار این عامل، هنگامی که سرمایهٔ اجتماعی از قبیل صداقت و امانت با اختلال مواجه شود رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتر خواهد شد.

> مقتول خانم برادر من است. آن‌ها خواستن با توهماتِ جادو و جنبل و دعا کردن کارشون رو پیش ببرند ولی نتونستن. برادر و زنِ برادر من آمدند تا مرا بترسانند با آتش زدن مغازه من. منتها نعل وارونه خوردند و خودشان در آتش گرفتار شدند و زنِ برادرم بعد از بیست‌وپنج روز که ناراحتی ریه داشت فوت کرد. برادرم پنجاه

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

میلیون پولم را داشت و او این مبلغ را بهم نداد و زد زیرش... آن‌ها بنزین روی من ریختند و من دیگه متوجه نشدم (متهم به قتل، ۵۷ساله، لیسانس).

«برخی به‌خاطر گنج و پوله، برخی به‌خاطر زن‌ها و ناموسه، برخی نیز همسرشون رو کشتن، برخی نیز قتل‌های اتفاقی‌اند» (متهم به قتل، ۳۷ ساله، ابتدایی).

ضعف مهارت‌های اساسی زندگی

از دلایل دیگر پدیدهٔ قتل رفتارهای تکانشی و فقدان مهارت‌های اساسی زندگی است. وقتی آستانهٔ تحمل مردم کاهش یابد و در کنار آن از آموزش‌های لازم برای کنترل خشم برخوردار نباشند بیشتر در معرض پرخاشگری قرار می‌گیرند.

پایان‌نامه‌ام بخشی در مورد قتل عمد بوده است. در مورد رابطهٔ هوش هیجانی و قتل بوده است که صدوپنجاه مورد از معتادین و صدوپنجاه مورد از قتل عمد پیدا کرده بودم. بیشترشون خودشون رو قاتل فرض نمی‌کردند. بیشتر به خاطر سایکوزها و هیجاناتی که داشته بودن این قتل عمد رو انجام داده بودن... بیشترین علل قتل هم تجربه و تحقیقم می‌گه رفتارهای هیجانی و تکانشی این افراد است. نتونستن مدیریت خشمشون رو داشته باشن (مشاور زندان، ۲۹ ساله، کارشناسی ارشد).

بنابراین مهارت‌های اساسی زندگی موجب می‌شود تا فرد بتواند هیجان‌های خود و دیگران را تشخیص دهد و واکنش مناسبی به هیجانات مختلف بروز دهد.

«خیلی از اینها بهتر از این می‌تونستن مسئله رو حل کنن. بنابراین قدرت تحلیل پایین میتونه دامن بزنه به این مسئله. چون راه‌حلی که پیدا می‌کنی به درایت و عقل شما بستگی داره. اینکه شما تصمیمات هیجانی نگیری، توانش رو بالا می‌بره» (مشاور زندان، ۳۰ساله، کارشناسی ارشد).

ناکامی

پرخاشگری وقتی انجام می‌شود که در آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی یا سرخوردگی در آنان ایجاد می‌شود. مهم‌ترین هدف یا اهدافی که به‌عنوان محور آسیب مورد توجه قرار می‌گیرند منبع یا منابع ناکامی هستند.

«اکثر قتل‌ها به‌صورت اتفاقی رخ می‌ده ... یه سری افرادی هستند که به‌خاطر سرخوردگی و حتی رسیدن به یک ماشین یا یک خانه دست به قتل زده باشند» (متهم به قتل، ۳۰ ساله، متوسطه).

نمونهٔ دیگر نیز یکی از مشارکت‌کنندگان که شکست تحصیلی داشته و دارای دوستان ناباب و خانوادهٔ آنومیک بوده است، چنین فرایند قتل خود را تشریح می‌کند: «به‌دلیل اینکه دست من پر بود [به لحاظ مالی] و افرادی که دنبال گرفتن دوست بودن تا برای آن‌ها خرج کنن به سراغ من می‌آمدن. بعضی وقت‌ها شیطان تو جلدِ آدم می‌افته که باعث می‌شه آدم این کار را انجام بده.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

شیوهٔ زندگی من در دوره هنرستان کاملاً تغییر کرد، بیشتر با افرادی رفاقت می‌کردم که در مدرسه مردود شده بودند و از من بزرگ‌تر بودند و این مرا با مشکلات جدیدتری مواجه کرد. من ازدواج کردم پدرخانمم در مورد من به‌درستی بررسی نکرده بود و من در همان سال شدیداً دچار بحران مالی شدم و دوستم در مورد من به پدرخانمم یه‌سری اطلاعات داد و رابطهٔ من با وی [دوستم] بد شد و من به‌صورت آنی تصمیم گرفتم که وی را به قتل برسانم بدون اینکه فکر کنم» (قاتل، ۴۰ ساله، دیپلم).

ضعف سرمایه اجتماعی سنتی

یکی از عوامل کنترل اجتماعی در جوامع گذشته وجود پیوند اجتماعی سنتی در قالب کنترل اجتماعی غیررسمی بود. این کنترل اجتماعی به‌مثابهٔ چسب اجتماعی جوامع گذشته را حفظ می‌کرد. به عبارت دیگر، در جوامع گذشته گروه‌های اجتماعی غیررسمی از کانون‌های اصلی کنترل اجتماعی بودند. یکی از مشکلات جامعهٔ ایران به‌طور عام و استان گیلان به‌طور خاص وضعیت آنومیک و آستانگی آن است که در آن قواعد سنتی از استحکام لازم برخوردار نیست و قواعد جدید نیز نهادینه نشده است. این شرایط آستانگی (نه اینجا، نه آنجا) موجب پرخاشگری و سایر رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود.

«یکی از مشکلات افرادی که قتل می‌کنند گوش ندادن به حرف‌های بزرگ‌ترها و نصیحت دیگران است» (قاتل، ۴۰ ساله، دیپلم).

دعوای ناموسی

هرچند آمار دقیقی از قتل‌های ناموسی در استان گیلان وجود ندارد، اما براساس گزارش‌های منتشره طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، بیش از هفت‌هزار قتل در ایران به‌وقوع پیوسته است که از این تعداد، حدود چهارصد مورد آن به قتل‌های ناموسی بوده‌اند (خالقی، ۱۳۹۲: ۲۹). برمبنای مصاحبه‌های انجام شده یکی از دلایل قتل در استان گیلان خصلت ناموسی و شرافتی دارد.

> «قتلی‌ها چه آن‌ها که ورود کردن [زندان]، به نظر من از هر صد مورد هفتاد مورد بحث ناموسیه... در قتل کمتر پیش می‌آد که پای یک زن در میان نباشه. منطقهٔ شرق گیلان رو بررسی کردم دیدم حتماً پای یک زن در قتل هست. قبل از اینکه قتل صورت بگیره، رابطهٔ زنا صورت گرفته» (مشاور زندان، ۴۲ ساله، کارشناسی‌ارشد).

در این باره، در سطح عینی یکی از مشارکت‌کنندگان که مرتکب قتل شده فرایند قتلش را چنین روایت می‌کند:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

«من یه شش ماه تهران سرکار رفتم پدر و مادرم فوت کردند بی‌ادبیه سه‌تا بچه داشتم همسرم خواست از من جدا شه. او رو کرد [سوگند خورد] به قرآن و گفت تو با من نامحرمی. او غیابی از من طلاق گرفت با چاقو زدم او کشته شد ولی الان واقعاً پشیمانم» (قاتل، ۴۶ ساله، ابتدایی).

اعتیاد

بین اعتیاد و جرایم خشونت‌آمیز ارتباط وجود دارد. برمبنای آمار قضایی استان گیلان، نگهداری و مالکیت مواد مخدر نخستین و استعمال مواد مخدر پنجمین جرم شایع استان گیلان در سال ۱۳۹۳ بوده است (دادگستری استان گیلان، ۱۳۹۳: ۱۳). براساس مصاحبه‌های انجام‌گرفته نیز یکی از دلایل رفتارهای خشونت‌آمیز مصرف موادمخدر است.

> خواستم بیام خونه یه لحظه دوستم زنگ زد و با یه پراید رسید سرِ کوچه. بهش گفتم کجا می‌ری؟ گفت بیا بریم قلیانسرا. اومد پایین. به من گفت یه مفتول بردار این خانم رو بترسون. جاده اتوبان بود داشتیم می‌رفتیم. از داخل ماشین دوستم اشاره کرد این کار رو انجام بده. من این کار رو کردم او ترمزدستی رو کشید و اومد سیم رو گرفت [او رو خفه کرد]. آن بنده خدا بیهوش شده بود. با فاصله‌ای آن را انداخت بیرون کنار اتوبان. نگاه کردم یه آتشی بلند شده بود. بنده خدا رو آتش زد... زنه در خریدوفروش مواد بوده از شوهر اولش هم طلاق گرفته بود (متهم به قتل، ۲۹ساله، ابتدایی).

در این باره، یکی از مشارکت‌کنندگان هم برمبنای تجربهٔ زیسته خود یکی از دلایل قتل را امرِ ناموسی تلقی می‌کند.

«عموماً در دلایل قتل همین عامل ارتباطات [ناموسی] و اعتیاد نقش داره» (مشاور زندان، ۳۰ ساله، کارشناسی‌ارشد).

ضعف برنامه‌های فراغتی

مصرف فراغتی در کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است؛ زیرا درگیری و مشارکت فرد در جامعه در قالب کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی مشارکت اجتماعی پیوند اجتماعی وی را افزایش می‌دهد. فراهم بودن امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی باعث کاهش کژرفتاری و بزهکاری در میان جوانان می‌گردد.

«عوامل درگیری می‌تونه مواد یا پول، ناموسی یا عدم تفریح و سرگرمی باشه» (متهم به قتل، ۳۵ساله، دیپلم).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

تحریک بزهکار

به‌لحاظ جرم‌شناختی همیشه بزهکار در فرایند جرم نقش محتوم ندارد بلکه بزه‌دیده نیز در مکانیسم بزه مؤثر است. در نظام کیفری سنتی به نقش بزه‌کار تأکید می شود، اما در عدالت ترمیمی به نقش قربانی و بزه‌دیده نیز در تکوین و شکل‌گیری جرم پرداخته می‌شود.

> داستان قتل من این‌گونه بود که از قبل افرادی برای این‌که با من درگیر شوند در یک رستوران که می‌خواستیم شام بخوریم من و دوستم رو تا حد مرگ زدند. آن‌ها به خاطر اینکه در دعوای قبل که بین رفیقم و آن‌ها اتفاق افتاده بود تحت تعقیب بودند... و موقع درگیری چاقو از دستش [مقتول] پرت شده بود آن را برداشتم و این حادثه اتفاق افتاد. من شغلم غریق نجات بوده و با این عملم [قتل] منافات دارد و خودم نمی‌دانم چه شد که این اتفاق افتاد (قاتل، ۳۰ ساله، متوسطه).

در مجموع، اغلب مشارکت‌کنندگان «انکار مسئولیت» می‌کردند و خودشان را برتر از قربانیانشان می‌پنداشتند و استدلال می‌کردند که در بیشتر موارد این قربانیان بودند که به اشکال مختلف از قبیل شرور بودن، خبرچینی، زورگیری و معتاد بودن و کلاهبرداری آن‌ها را در فرایند خشم تحریک نموده‌اند.

«اولین ضربه رو او (مقتول) زد. کارهای خلاف مثل تجاوز به‌عنف، زنا، زورگیری کارش بود، حتی به یه زن حامله تجاوز کرده بود» (متهم به قتل، ۲۹ ساله، سوم راهنمایی).

٤ـ۲. مقولهٔ مرکزی دلایل قتل

در مرحلهٔ کدگذاری گزینشی، هدف یافتن هستهٔ مرکزی و پس از آن ایجاد شبکه‌ای از مقولات عمده درخصوص دلایل قتل در بین متهمان زندان لاکان رشت است که نظم نظری قابل قبولی در آن حاکم باشد. با مطالعه دربارهٔ دلایل ذهنی و عینی می‌توان دریافت که مقولهٔ مرکزی دلایل قتل در این پژوهش «ضعف کنترل در فرایند پیوند اجتماعی» است. دلایلی از قبیل درگیری، فحاشی، مشارکت در قتل، خیانت زناشویی، پایین‌بودن اقتدار بزرگان و ریش‌سفیدها، و همنشینی با دوستان ناباب همگی در ذیل مقولهٔ مرکزیِ عامل ضعف کنترل در فرایند پیوند اجتماعی جای می‌گیرند. همچنین بسیاری از دلایل فردی نیز از قبیل طرح‌واره‌ها، تکانه‌های عصبی، غرور و تکبر، ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های زندگی در درون مقوله وسیع‌تری تحت عنوان عامل کنترل فردی قرار دارند. بنابراین جامعه نیاز به نظم روانی و اجتماعی دارد تا فرایند قتل صورت نگیرد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

٤ـ۳. سنخ شناسی قتل

به لحاظ هدفمندی و برنامه‌ریزی، قتل‌ها را می‌توان به دو دستهٔ مواجهه‌ای و برنامه‌ریزی‌شده سنخ‌شناسی کرد، زیرا همواره قتل یک کنش تنظیم‌شده نیست.

قتل‌های مواجهه‌ای: این نوع قتل‌ها بر سرِ دعواهای جزئی رخ می‌دهد. معمولاً با قصد و برنامه‌ریزی همراه نیست. گرچه قصد و نیت قبلی در کار نیست، منجر به قتل می‌شود. شکل غالب قتل‌های انجام‌شده در استان چنین قتلی هستند.

«اکثر قتل‌ها باانگیزه (به‌عمد) صورت نگرفته است بلکه اتفاقی بوده است» (متهم به قتل، ۲۵ ساله، سیکل).

در سطح ذهنی نیز یکی از مشارکت‌کنندگان به لحاظ سنخ‌شناسی قتل‌ها در استان گیلان را چنین مقوله‌بندی می‌کند:

> می‌تونم بگم قتل یه اتفاقی در زندگی آن‌ها [قاتلین] بوده. از ده نفر می‌تونم بگم نه نفر قتلشون با برنامه نبوده. قتل ناشی از یک تکانه و هیجان بوده و بعد شده قتل. هر کسی قتل نمی‌کنه، خیلی از اون آدم‌ها سالِمَند و پذیرش واژهٔ قتل برای آن‌ها سخت و سنگینه... قتلی که با برنامه و نقشه باشه از هر صد مورد، ده مورد باید باشه (مشاور زندان، ۴۲ ساله، کارشناسی‌ارشد).

قتل‌های برنامه‌ریزی شده: اما در کنار قتل‌های مزبور قتل‌های برنامه‌ریزی‌شده وجود دارند و معمولاً بر سرِ مسائل مختلف صورت می‌گیرند.

نکتهٔ مهم این است که در قتل‌های مواجهه‌ای و برنامه‌ریزی‌شده هم عنصر ندامت دیده می‌شود. به‌طوری‌که همهٔ قاتلان و متهمان معتقدند که اگر دوباره در آن شرایط قرار بگیرند از محیط خشونت فرار می‌کنند.

«اکثر قتل‌ها به‌صورت اتفاقی رخ می‌ده و اگر افراد بتونند به عقب برگردند شاید اصلاً قتل نکنند» (قاتل، ۳۰ ساله، متوسطه).

«من می‌بایست در درگیری عاقل‌تر عمل می‌کردم؛ [یعنی] می‌بایست از درگیری فرار می‌کردم» (متهم به قتل، ۵۷ ساله، کارشناسی).

در گونه‌شناسی قتل، برخی قتل‌ها مربوط به دعوا، بعضی در امور مادی و اختلافات مالی، برخی نیز جنبهٔ خانوادگی، بعضی نیز ماهیت اغواشدگی و برخی قتل‌ها مربوط به سایر جرایم بوده است. بیشتر قتل‌ها شکل مردانه دارند و قاتل و قربانی غالباً مرد هستند و معمولاً این‌گونه قتل‌ها با یک دعوای جزئی رخ می‌دهد. به‌عبارت دیگر، به لحاظ عاملیت نیز قتل را می‌توان به دو دستهٔ جانی و مقتول مقوله‌بندی کرد. در بسیاری از این قتل‌ها، قربانی نیز محرک جرم بوده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

مواجههٔ همزمان قاتل و قربانی که سریع بالا می‌گیرد، به مرگ یکی از افراد منجر می‌شود. به‌زعم پولاک منبع قتل‌های مواجهه‌ای تمایل مردانه برای درگیرشدن در خشونت است، تمایل مردانه‌ای که می‌خواهد چالش را به هزینهٔ غرور مرتفع سازد (پولاک، ۱۹۹۴: ۱۶۹).

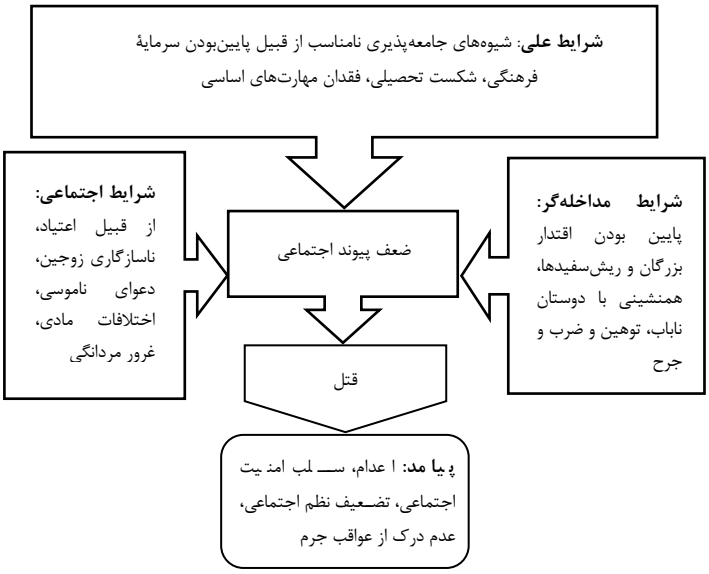

نمودار ۱. مدل پارادایمی دلایل قتل

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به نوع معرفت‌شناسی حاکم بر تحقیقات کیفی و همچنین عدم وجود نمونه معرف، توضیح روابط بین تم‌های تحقیق به شکل علت و معلولی مانند تحقیقات پوزیتیویستی یا کمّی نیست، بلکه مدل فوق صرفاً یک دریافت نظری بوده و خصلت قطعی یا تعمیمی ندارد.

براساس مدل نظری فوق، علل قتل ناشی از شیوه‌های جامعه‌پذیری نامناسب از قبیل پایین‌بودن سرمایهٔ فرهنگی، شکست تحصیلی، فقدان مهارت‌های اساسی زندگی است. در کنار دلایل فوق، شرایط اجتماعی از قبیل اعتیاد به مواد، ناسازگاری زوجین، دعواهای ناموسی، غرور مردانگی، اختلافات مادی محیط اجتماعی را برای ایجاد خشونت فراهم می‌کند. آن عوامل ویژگی‌های اخلاقی‌اند که در صورت فرسایش زمینه را برای ارتکاب جرم مهیا می‌نماید. علاوه بر دلایل و شرایط مزبور فقدان میانجی‌ها و فرایندهای اجتماعی برای مثال پایین‌بودن اقتدار بزرگان و ریش‌سفیدها درعوض همنشینی با دوستان ناباب و متعاقب آن توهین، نزاع و درگیری به‌مثابهٔ عوامل مداخله‌گر نقش عمده‌ای در ایجاد قتل داشته است؛ زیرا نهادهای سنتی و مدرن اقتدار

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

بیرونی لازم جهت قانونمندکردن افراد را ندارند. درنهایت در عرصهٔ پیامدی نیز عدم درک قاتلان و متهمان از پیامد و عواقب جرم نیز بستر و زمینه را برای دیگرکشی فراهم نموده است؛ یعنی در زمان ارتکاب جرم فرد چنان تحت تأثیر تکانه‌های عصبی و شوک ناشی از به‌هم‌ریختن تعادل روانی است که به عواقب جرم فکر نمی‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به یافته‌های این پژوهش، به لحاظ سنخ‌شناسی قتل‌ها را می‌توان به دو دستهٔ مواجهه‌ای و برنامه‌ریزی‌شده تقسیم کرد. قتل‌های مواجهه‌ای شکل غالب قتل‌های انجام‌شده در استان گیلان را تشکیل می‌دهند. این نوع قتل‌ها بر سرِ دعواهای جزئی رخ می‌دهد. معمولاً با قصد و برنامه‌ریزی همراه نیست. گرچه قصد و نیت قبلی در کار نیست، منجر به قتل می‌شود، اما در کنار قتل‌های مزبور قتل‌های برنامه‌ریزی‌شده وجود دارد و معمولاً بر سرِ مسائل مختلف و کم اهمیت (ریزپرخاشگری) صورت می‌گیرد. براساس مصاحبه‌های انجام شده، همهٔ مشاورین زندانی باتوجه به تجربهٔ زیسته خود در زندان و همچنین بخش غالب مجرمان باتوجه به تجربهٔ خود در زندان و تجربهٔ خود در فرایند قتل تأکید کرده‌اند که قتل در یک اتفاق رخ داده است و فرد تعمداً قصد کشتن طرف مقابل را نداشته و در جریان درگیری و نزاع ایجاد شده است. بنابراین قتل‌های برنامه‌ریزی‌شده به‌ندرت اتفاق می‌افتد. سنخ‌شناسی قتل اتفاقی و عمدی با نتایج تحقیق صادقی فسایی (۱۳۹۲) مطابقت دارد. این امر حکایت از خصوصی‌شدن خشونت در جامعه دارد. همچنین تداعی‌کنندهٔ دیدگاه دونالد بلک است. به‌زعم وی خشونت در جوامع مدرن صبغهٔ خصوصی پیدا کرده و خشونت بیشتر از سوی افراد انجام می‌شود و قربانی کمتر تحت محافظت آماج جرم قرار می‌گیرند. بنابراین، در جامعهٔ مورد مطالعه قتل‌ها بیشتر جنبه فردی دارند، زیرا این «افراد» هستند که با یکدیگر درگیر می‌شوند تا «گروه‌های اجتماعی».

براساس مصاحبه‌های انجام‌شده در این تحقیق، علل قتل را می‌توان به دو دستهٔ عینی (رفتاری) و ذهنی (نگرشی) تقسیم کرد. در سطح ذهنی مربوط به دیدگاه آنان در خصوص قتل است و در سطح عینی براساس دیدگاه متهمان درخصوص علل قتل به معنای کلی آن نیست، بلکه به‌طور انضمامی برمبنای انگیزه‌های دیگرکشی در خود متهمان است. برمبنای یافته‌های این پژوهش، اغلب مشارکت‌کنندگان (قاتلان، متهمان و مشاوران) دربارهٔ دلایل عینی و رفتاری قتل به مواردی از قبیل اتفاقی‌بودن خشونت، دعوای ناموسی و خیانت زناشویی، اختلافات مادی، خیانت در امانت، سرقت همراه با قتل، فحاشی، اعتیاد، کاهش اقتدار والدین، دفاع از نزدیکان در نزاع و درگیری، درگیری‌های خیابانی، اثبات مردانگی در فرایند نزاع و درگیری، همنشینی با دوستان ناباب، رفتارهای تکانه‌ای و فقدان مهارت‌های اساسی زندگی و عدم درک از عواقب جرم اشاره نموده‌اند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

براساس یافته‌های تحقیق، برای فهم قتل باید آن را به‌طور انضمامی با سایر زمینه‌ها، متغیرها، ابعاد و آسیب‌های اجتماعی قرار داد. این امر سبب می‌شود که ما درک منظومه‌ای یا به‌زعم نوربرت الیاس «پیکربند»[1] از قتل داشته باشیم. یکی از دلایل میزان قتل در گیلان، اثربخشی سایر جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر میزان قتل در گیلان است، زیرا اغلب مشارکت‌کنندگان علل اصلی قتل را در فرایند آسیب‌های اجتماعی از قبیل خیانت زناشویی، نزاع و درگیری، توهین و فحاشی، اعتیاد، سرقت، خیانت در امانت می‌دانند. درخصوص سبب‌شناسی قتل می‌توان به عواملی از قبیل اختلافات مادی اشاره کرد. یکی از دلایل قتل دعوای ناموسی و خیانت زناشویی و نیز پدیدهٔ متارکهٔ خانوادگی و طلاق اشاره شده است؛ این عامل حکایت از وضعیت نابسامانی است که برخی از خانواده‌ها با آن مواجه‌اند. همچنین پس از قتل نیز معضلات خانوادگی آن‌ها تشدید شده است. دلایل مزبور با نتایج تحقیق جاهد و دیگران (۱۳۹۰) و حاجی‌زاده میمندی (۱۳۹۱) همسویی دارد.

از دلایل دیگر پدیدهٔ قتل از یک‌سو رفتارهای تکانشی و غرور و فقدان مهارت‌های اساسی زندگی است و از سوی دیگر درگیری و نزاع جهت اثبات مردانگی در مقابل محرکات بیرونی است. این امر تداعی‌کنندهٔ نظریه مردانگی است. برمبنای این نظریه، مردان مایلند مردانگی خود را از طریق رفتارهای ضد اجتماعی و خشونت و تهاجم علیه دیگر مردان و گاهی هم زنان اثبات کنند. این مردان با مشکل آنومیک روبه‌رویند. از این‌رو، در جامعهٔ پساپدرسالار قدرت مردان کاهش‌یافته و فرهنگ گفت‌وگو جایگزین نشده و مردان در خلأ قدرت به سر می‌برند، آنان برای اعمال قدرت خود از شیوه‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند.

علاوه بر این، براساس منطق تئوریک فرصت‌مدار مردان دارای موقعیت و فرصت‌های بیشتری در مقایسه با زنان هستند، این فرصت‌ها به آنان مجال بیشتری در بروز جرم می‌دهد. همچنین منشأ جرم ریشه در فرهنگ مردانگی دارد. بسیاری از مردان برای تأیید و اثبات هویت مردانگی به‌رفتار مجرمانه اقدام می‌ورزند، زیرا نقش مردانه خاستگاه مجموعه‌ای از مشکلات مردانه است. بنابراین، برمبنای نظریه‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی جرایم جنسیتی بیشتر امری اجتماعی است تا زیست‌شناختی، زیرا برخلاف نظریه‌های سنتی که بر منشأ زیست‌شناختی جرم تأکید می‌ورزند، دیدگاه جامعه‌شناختی بر عامل اجتماعی‌ـفرهنگی جرم اهمیت می‌دهند.

همچنین بالابودن میزان قتل در مردان نسبت به زنان مؤید دیدگاه نظری قدرت کنترل است. مطابق منطق نظری فوق دختران بیشتر از پسران مورد کنترل پدر و مادر قرار می‌گیرند و بنابراین، احتمال درگیری پسران در رفتار مخاطره‌آمیز بیشتر از دختران است. این کنترل نامتناسب رفتار در یک خانوادهٔ پدرسالار بالاترین میزان را دارد. این رفتار در خانواده‌های ناپدرسالار که پدر و

1. Configuration

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

مادر به‌دلیل جایگاه برابر خود در محل کار قدرت برابر دارند به کم‌ترین میزان است. برمبنای سنت تلفیقی الیوت وقتی پیوند افراد با گروه‌های کجرو قوی و باگروه‌های عرف‌پسند ضعیف باشد، بیشترین احتمال کجروی و وقتی پیوند آنان با گروه‌های عرف‌پسند قوی و با گروه‌های کجرو ضعیف باشد، کمترین احتمال کج‌رفتاری وجود دارد. به نظر می‌رسد مردان از فشار اجتماعی بیشتر و از ارتباط با گروه‌های کجرو بیش از زنان برخوردار باشند و بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند. برمبنای یافته‌های این پژوهش، هرچند مردان در جلوی صحنه نقش عمده‌ای در فرایند قتل داشته‌اند، زنان نیز در پشت‌صحنه عنصر منفعل نبوده‌اند و چه‌بسا برخی از درگیری‌ها در تحریک مردان نیز اثرگذار بوده‌اند. همچنین یکی از عوامل عمدهٔ نزاع و درگیریِ منجر به قتل دعوای ناموسی بوده است که مردان به‌خاطر شرف و غیرت مردانه با یکدیگر برخورد فیزیکی داشته‌اند. نقش مردانگی و دعوای ناموسی در فرایند قتل با نتایج تحقیق معظمی (۱۳۸۱)، افتخاری (۱۳۸۴) و جاهد و دیگران (۱۳۹۱) همسویی دارد.

نکته متمایزکنندهٔ این پژوهش با تحقیقات دیگران در این که با مطالعه درخصوص دلایل ذهنی و عینی قتل می‌توان دریافت این است که مقولهٔ مرکزی دلایل آن «ضعف کنترل در فرایند پیوند اجتماعی» است. دلایلی از قبیل درگیری، فحاشی، مشارکت در قتل، خیانت زناشویی، درخواست طلاق همسر، خیانت در امانت، اختلافات مادی، پایین‌بودن سواد، عدم درک از پیامد جرم، نبود اوقات فراغت، پایین‌بودن اقتدار بزرگان و ریش‌سفیدها و همنشینی با دوستان ناباب، طرح‌واره‌ها، تکانه‌های عصبی، غرور و تکبر، فقدان مهارت‌های اساسی زندگی، شکست تحصیلی، ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های زندگی همگی در ذیل مقولهٔ مرکزی عامل ضعف کنترل در فرایند پیوند اجتماعی جای می‌گیرند. ضعف کنترل اجتماعی هم خصلت فردی و هم جمعی دارد؛ یعنی جامعه از مکانیسم کنترل اجتماعی درونی و بیرونی لازم برخوردار نیست. نکتهٔ مهم اینکه قاتل و مقتول را باید توأمان در یک سطح ساختاری و تقابل دوتایی تحلیل کرد. بدین معنا که همواره قاتلین در قتل نقش مطلق نداشته‌اند چه‌بسا مقتولین و بزهدیدگان نیز در فرایند قتل نقش داشته‌اند. قتل یک کنش متقابل بین قاتل و مقتول بوده است. آن‌ها نیز همانند قاتلین فاقد مهارت‌های اساسی زندگی بوده‌اند. اغلب قاتلین آن‌ها را نیز انسان‌های شرور، اهل نزاع و درگیری، خیانت در امانت، عامل جدایی از زندگی (طلاق) و معتاد بازنمایی کرده‌اند.

باتوجه به «ضعف کنترل در فرایند پیوند اجتماعی» در استان گیلان اقدامات اساسی در جهت بهبود و تقویت مداخلات اجتماعی از قبیل سمن‌ها، مراکز مشاوره‌ای، سرای محلات و... جهت تعدیل و حفظ نظم و امنیت اجتماعی شهروندان ضروری است. در سطح فردی نیز آموزش مهارت‌های زندگی در قالب آموزش مدیریت خشم و کنترل احساسات و آموزش گذشت برای عموم شهروندان و زندانیان الزامی به‌نظر می‌رسد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

منابع

افتخاری، علی و همکاران (۱۳۸۴) «بررسی روش‌ها و انگیزه‌های مختلف قتل در تهران بزرگ و عوامل مرتبط با آن از اول مهر ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۸۳»، *مجله پزشکی قانونی*، دوره ۱۱، شمارهٔ چهارم: ۱۷۹ـ۱۸۴.

جاهد، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۰) «بررسی عوامل دخیل در وقوع قتل عمد در استان اردبیل»، دوره دوم، سال چهارم، شمارهٔ ۱: ۱۰۹ـ۱۲۸.

حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۹۱) «تحلیل آماری قتل در استان یزد با تأکید بر شهرستان یزد در سال‌های ۱۳۸۵ـ۱۳۸۸» *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*، سال ششم، شمارهٔ شانزدهم: ۸۳ـ۱۰۲.

خالقی، مینو (۱۳۹۲) «نقش و تأثیر رسانه‌های جمعی بر وقوع قتل‌های شرافتی»، *رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال سوم، شمارهٔ دوم: ۲۷ـ۵۳.

خلفخانی، مهدی (۱۳۸۷) «راه‌های گسترش حوزه عمومی به‌منظور ارتقای سطح نظارت‌های اجتماعی»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال دوم، شمارهٔ دوم: ۴۹ـ۷۲.

دادگستری استان گیلان (۱۳۹۳) «گزارش سیمای جرایم و دعاوی استان گیلان»، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان گیلان.

رستگار خالد، امیر و میثم محمدی (۱۳۹۴) «تغییرات فرهنگی و اُفت باروری در ایران (بر پایهٔ تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌وششم، شمارهٔ پیاپی ۵۸، شمارهٔ دوم: ۱۵۹ـ۱۸۰.

زکی، محمدعلی (۱۳۷۴) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قتل در استان اصفهان (۱۳۷۲-۱۳۷۰)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده، دانشگاه شیراز، شیراز.

زارع، بیژن و علی‌اکبر زندی لک (۱۳۹۰) «مطالعه رابطه توسعه‌یافتگی اقتصادی‌ـاجتماعی با میزان جرایم خشن در بین استان‌ها»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شمارهٔ ۳: ۹۷ـ۱۲۵.

زارع، بیژن و کفاح غایمی (۱۳۸۶) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش «به قتل به خاطر شرف» در دشت آزادگان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۵، شمارهٔ ۵۹: ۱۳۵ـ۱۶۵.

صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۲) «تیپولوژی قتل براساس چند روایت»، *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره چهارم، شمارهٔ ۱: ۴۵ـ۸۶.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳) *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آن.

فلیک، اووه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]

معظمی، شهلا (۱۳۸۱) «همسرکشی»، *مجموعه مقالات اولین همایش آسیب های اجتماعی در ایران، جلد پرخاشگری و جنایت*، تهران: انتشارات آگه.

ولد و همکاران (۱۳۹۴) *جرم‌شناسی نظری*، ترجمهٔ علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.

Black, Donald (1983) 'Crime as Social Control', *American Sociological Review*, 48 (1): 34-45.

Bernard, Thomas J. (1990) 'Twenty Years of Testing Theories: What Have We Learned and Why?', *Journal of Reasearch in Crime and Delinquency*, 27: 4.

Elias, Norbert (2000) *The Civilizing Process*, Blackwell Publishing.

Gold, Martin (1954) 'Suicide, Homicide, and the Socialization Aggression', *American Journal of Sociology*, 43: 651-661.

Glaser, B. & Anselm Strauss (1967) *Discovery of Grounded Theory*, New Jersey: Transaction Publishers.

Glaser, B. (1998) *Doing Grounded Theory: Issues & Discussions*, Mill Valley, CA: Sociology Press.

Glaser, B. (2001) *The Grounded Theory Perspective: Conceptualization Contrasted With Description*, Mill Valley, CA: Sociology Press.

Sutherland, E. H. (1982) 'Theory of Differntial Association', In R. Wolfgang, Marvin and Franco Ferracuti, *The Subculture of Violence*, Beverly Hills, Calif: Sage.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.1.11.6]